اندیشکده‌های حکمرانی و قانون‌گذاری استانی

جنگ‌گرافت

اندیشکده‌های حکمرانی و قانون‌گذاری استانی

روزنامه الکترونیکی @HOKMRAH
شماره شانزدهم

روزنامه الکترونیکی
اندیشکده‌های حکمرانی
و قانون‌گذاری‌های استانی

۲۷ فروردین ۱۴۰۵
۲۷ شوال ۱۴۴۷
۱۶ آوریل ۲۰۲۶
شماره شانزدهم

تاب‌آوری در بحران با حکمرانی مشارکتی

دکتر فهیمه مستحسن
پژوهشگر پژوهشگاه قوه قضاییه

حکمرانی در بحران واقعی‌ترین آزمون هر نظام سیاسی است. در لحظه‌های سخت، معمولاً دو رویکرد متفاوت شکل می‌گیرد: یکی تمرکز قدرت در دست نهادهای رسمی و دیگری اتکا بر ظرفیت مردم. تجربه تاریخ نشان می‌دهد نظام‌هایی که مردم را «شریک حل بحران» می‌بینند، نه «ابزار اجرای تصمیم‌ها»، در برابر فشار بیرونی پایدارتر می‌مانند.

قرآن کریم این اصل را حتی در بحرانی‌ترین لحظات نیز تأیید می‌کند. پس از حادثه تلخ اُحد، خداوند به پیامبر می‌فرماید: «وَشَاوِرْهُمْ فِی الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَکَّلْ عَلَی اللَّهِ» (آل‌عمران، ۱۵۹). یعنی مشورت فقط برای روزهای پیروزی نیست؛ شکست هم نیازمند مشارکت و همراهی مردم است. همین اصل در آیه «وَأَمْرُهُمْ شُورَی بَیْنَهُمْ» (شوری، ۳۸) به‌عنوان ویژگی دائمی جامعه مؤمن معرفی شده است، نه ابزاری مقطعی.

تفاوت مهمی میان «بسیج اجتماعی» و «مشارکت واقعی» وجود دارد. در بسیج اجتماعی، مردم ابزار اهدافی هستند که دیگران تعیین کرده‌اند. اما مشارکت واقعی یعنی مردم از مرحله تعریف مسئله تا انتخاب راه‌حل و ارزیابی نتایج حضور دارند. تنها مشارکت نوع دوم است که تاب‌آوری پایدار می‌سازد.

در شرایط جنگ و بحران، حکمرانی مشارکتی بر چند سازوکار کلیدی بنا می‌شود:

۱. اعتماد اجتماعی به‌عنوان زیرساخت مقاومت

بدون اعتماد متقابل میان مردم و حاکمیت، حتی بحران‌های کوچک می‌تواند به اختلاف داخلی و فروپاشی منجر شود. قرآن نیز هشدار داده است: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِیحُکُمْ» (انفال، ۴۶). اختلاف داخلی نه‌تنها ضعف اخلاقی، بلکه شکست راهبردی است.

۲. تفویض اختیار به سطوح محلی

در غزوه احزاب، پیامبر پیشنهاد سلمان فارسی برای حفر خندق را پذیرفت و مسئولیت بخش‌های مختلف دفاعی را به گروه‌های مردمی سپرد. این تفویض اختیار، حس مالکیت و انگیزه دفاع را تقویت کرد. در بیانات رهبر معظم انقلاب نیز همواره بر نقش مردم و حضور پررنگ آنان تأکید شده است.

۳. شفافیت اطلاعاتی در بحران

پنهان‌کاری، اعتماد را از بین می‌برد و میدان را برای شایعه باز می‌کند. نظام‌هایی که مردم را با بیان واقعیت در جریان امور قرار می‌دهند، انسجام بیشتری حفظ می‌کنند. این تجربه در بحران‌های معاصر مانند جنگ دوازده روزه وچهل‌روزه با امریکا و صهیونیسم نیز مشاهده شد.

۴. مشارکت مردم در تعریف مسئله، نه فقط اجرا

در غزوه بدر، پیامبر پیش از تعیین موضع نظامی با یاران مشورت کرد و بر اساس نظر یکی از انصار، جایگاه لشکر را تغییر داد. این یعنی مشارکت واقعی از مرحله اول، یعنی تعریف مسئله، آغاز می‌شود.

در غزوه احزاب، مسلمانان در برابر ائتلاف بزرگ دشمن ایستادند؛ پیروزی نه نتیجه برتری نظامی، بلکه حاصل انسجام داخلی، اعتماد اجتماعی و مشارکت گسترده مردم بود. نمونه‌ای مشابه در دوران معاصر، مقاومت فنلاند در جنگ زمستانی ۱۹۳۹ است. با وجود ضعف تجهیزات، اعتماد اجتماعی بالا و حکمرانی محلی قوی عامل اصلی تاب‌آوری بود.

بنابراین تاب‌آوری محصول تصمیم‌های لحظه‌ای نیست؛ نتیجه ساختارهایی است که پیش از بحران شکل گرفته‌اند:

- مشورت راهبردی
- انسجام اجتماعی
- مشارکت واقعی مردم

قرآن این اصول را چنین خلاصه می‌کند: «إِنْ یَکُنْ مِنْکُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ یَغْلِبُوا مِائَتَیْنِ» (انفال، ۶۵). این صبر، صبر آگاهانه و برخاسته از مشارکت و اعتماد است، نه تحمل منفعلانه.

رهبر شهید انقلاب نیز با شفافیت و بصیرت، روند مسائل سیاسی را برای مردم بیان می‌کردند و بر ضرورت اراده و ایستادگی در مقابل انحراف و وسوسه تأکید داشتند: اگر مقاومت کنید، قله‌های عدالت، حاکمیت حق و کمال انسانی دست‌یافتنی است. «فَاسْتَقِمْ کَمَا أُمِرْتَ» رمز این مسیر است.

امروز نیز ملت ایران نشان داده‌اند که حکمرانی مشارکتی تنها یک نظریه نیست؛ تجربه‌ای زیسته است. چنانکه رهبر معظم انقلاب در نخستین پیام خود فرمودند: اگر آیتی از آیات الهی (مقصود رهبر شهید) از ما گرفته شد، در عوض حضور عمارگونه ملت ایران دوباره به این نظام عطا شد. قدرت مردم است که به دستگاه‌ها کارایی می‌بخشد و به صحنه آوردن این قدرت نیازمند توکل، توسل و استقامت است.

در نهایت، حکمرانی مشارکتی در بحران یعنی مردم تماشاگر بحران نیستند؛ معمار پاسخ به آن‌اند.

اندیشکده‌های حکمرانی و قانون‌گذاری استانی

جنگ‌رافت

اندیشکده‌های حکمرانی و قانون‌گذاری استانی

روزنامه الکترونیکی @HOKMRAH
شماره شانزدهم

روزنامه‌الکترونیکی
اندیشکده‌های حکمرانی
وقانونگذاری‌های استانی

۲۷ فروردین ۱۴۰۵
۲۷ شوال ۱۴۴۷
۱۶ آوریل ۲۰۲۶
شماره شانزدهم

در روزهای دشوار پس از بحران، مهم‌ترین مداخله روانشناختی، جلوگیری از تبدیل استرس به تعارض است.

دکتر معصومه حاتمی
روان‌شناس تربیتی و مدیر مؤسسه فوق‌تخصصی سیمین روان

غرق‌شدن در اخبار ناگوار و گرفتارشدن در گذشته و آینده، تاب‌آوری را از بین می‌برد و فضای خانواده را به سمت تنش و تعارض می‌برد.

در روزهای دشوار پس از بحران، مهم‌ترین مداخله روان‌شناختی جلوگیری از تبدیل استرس به تعارض است. ذهن ما این روزها مدام یا در گذشته می‌ماند و می‌پرسد چرا این اتفاق افتاد، یا در آینده می‌چرخد که چه خواهد شد؛ در حالی که این سرگردانی تاب‌آوری را از بین می‌برد. غرق شدن در اخبار ناگوار ما را از لحظه حال خارج می‌کند در روان‌شناسی می‌گوییم به جای گم‌شدن در دایره نگرانی، وارد دایره کنترل شوید؛ یعنی روتین‌های شخصی را دوباره بسازید؛ ساعت خواب، بیداری، ورزش و جریان طبیعی زندگی باید بازگردد. اخبار را باید هوشمندانه مدیریت کرد. من بارها دیده‌ام فردی مدام بین شبکه‌های مختلف می‌چرخد و همین تنوع ورودی‌های منفی، ذهن را آشفته‌تر می‌کند.

در این روزها باید بیشتر در جمع امن آدم‌هایی قرار بگیریم که حالمان را خوب می‌کنند. بودن کنار افراد مضطرب، اضطراب را تشدید می‌کند، اما آدم‌های امیدوار و متمرکز بر توانایی‌ها می‌توانند ما را سرپا نگه دارند.

یکی از راه‌های اصلی عبور از بحران را انجام «کارهای کوچکِ آرام‌بخش» می‌باشد. گاهی آبیاری گل‌ها، پختن یک غذای تازه، زنگ زدن به یک عزیز یا ارسال یک پیامک محبت‌آمیز همان معنا درمانی است. معنا درمانی یعنی دادن معنا به زندگی؛ یعنی نگذاریم رنج‌ها ما را از معنا تهی کنند. در نظریه ویکتور فرانکل می‌گوید از دلِ تاریک‌ترین روزها می‌تواند امید بیرون بیاید. درد و رنج همیشه به معنای سقوط نیست؛ گاه باعث رشد می‌شود. من در اتاق درمان می‌بینم افرادی که سال‌ها با خواهر یا برادرشان قهر بودند، با دیدن شرایط جنگ به ارزش رابطه پی برده‌اند. یا زنانی که می‌گفتند از همسرشان دل‌زده‌اند، حالا وقتی می‌بینند مرد خانواده برای امنیت خانه تلاش می‌کند، نگاهشان تغییر کرده است. در وجود همه ما مجموعه‌ای از من‌های مختلف وجود دارد؛ منِ افسرده، منِ عصبی، منِ مضطرب، منِ امیدوار، منِ شاد، منِ ظالم یا حتی مظلوم. پژوهش‌ها می‌گویند هر کدام که بیشتر تغذیه شود، همان پیروز می‌شود. اگر بی‌تحرک بمانیم، از رختخواب بیرون نیاییم و مراقبت از خود را رها کنیم، منِ افسرده را غذا می‌دهیم. اگر مدام اخبار منفی ببینیم، منِ مضطرب را تغذیه می‌کنیم، اما حمام کردن، لباس مرتب پوشیدن، آب دادن به گل‌ها، گوش دادن به موسیقی خوب، توکل، دعا و کار خیر، منِ شاد را رشد می‌دهد.

در این روزها که دشمن جنایت‌کار بر علیه کشور عزیزمان تجاوز کرده است کنترل ورودی ذهن‌ها بسیار مهم است. همان‌طور که با کنترل تلویزیون کانال‌ها را عوض می‌کنیم، سبک زندگی ما نیز کنترل‌کننده ورودی‌های ذهنی است. این روزها هر کس بین دو مسیر قرار می‌گیرد؛ مسیر رشد و صعود یا مسیر سقوط. من در مطب می‌بینم کسانی که منِ رشدیافته را تغذیه کرده‌اند به همدلی، همسفری و همسایگی روی آورده‌اند؛ برای سالمندان غذا می‌برند یا گل‌های همسایه را آب می‌دهند. این همان روحیه همکاری و همدردی است. اضطراب معمولاً صبح‌ها خودش را نشان می‌دهد؛ تنش، دلشوره و بی‌قراری که در این روزها منشأ بیرونی هم دارد؛ اقتصاد نابسامان، اهداف معلق، نگرانی از آینده و افزایش هورمون کورتیزول. اولین اقدام، اصلاح روتین خواب و تغذیه است؛ چون این دو مستقیماً استرس را کاهش می‌دهند.

اگر می‌دانیم همسرمان شرایط اقتصادی سختی دارد، نباید با درخواست‌های متعدد فشار را بیشتر کنیم. کمی سازگاری لازم است. گاهی یک جمله ساده مثل نگران نباش، من هستم؛ کنارتم؛ روزهای خوب می‌رسد، بسیار اثرگذار است. لمس، بغل کردن، بازکردن پنجره‌ها و نفس کشیدن در هوای تازه همگی به کاهش اضطراب همسر یا فرزند کمک می‌کند. همراهی با فرد مضطرب، خودش یک مداخله درمانی است.

ما با محدودیت منابع مالی خانواده‌ها، مهارت‌های افزایش تاب‌آوری کم‌هزینه را چنین توضیح میدهیم: در بحران‌هایی مثل جنگ ، سیستم عصبی انسان در حالت فریز قرار می‌گیرد و وارد حالت بقا می‌شود؛ یعنی ذهن به سمت ذخیره‌سازی و احتیاط می‌رود، بنابراین باید از خریدهای غیرضروری و بریز و بپاش‌ها پرهیز کرد. دورهمی‌ها بسیار تأثیرگذارند، چون امنیت جمعی را فعال می‌کنند، اما باید ساده باشند. همین دورهمی ساده مغز را از حالت بقا خارج می‌کند؛ چون صداها، خنده‌ها و تصاویر تازه، پیام امنیت می‌دهند. بیرون رفتن نیز می‌تواند مغز را از فریزشدگی خارج کند، اما اگر همراه با هزینه و خرید نالازم باشد، کارکردش را از دست می‌دهد. لازم نیست مهمانی با چند نوع میوه یا غذای مفصل باشد. مهم ارتباط است، نه تجملات.

اهمیت شکرگزاری و قدردانی در شرایط خاص جنگ و روان شناسی مثبت گرا

در تفکرات و آیین های مختلف توجه خاصی به شکرگزاری و قدردانی شده است. ادیان و مذاهب الهی که قرنهاست بشریت را به شکرگزاری از خداوند و بندگان خدا در پاسخ نعمات و الطافشان رهنمون شده اند. آیات متعدد قرآن کریم نیز نشانی از اهمیت همین موضوع را دارد.

آنچه سالهای اخیر رواج زیادی یافته است. تمرکز مکاتب غیر آسمانی و بشری، روانشناسان، تراپیست ها و حتی ورزشهایی مانند یوگا بر اهمیت شکرگزاری بسیار فزاینده و جدی شده است.

شکرگزار بودن یک فضیلت است و نوعی درمانگری شخصی و اجتماعی است

به همان اندازه و شدت که انتقاد در جمع مخرب است، تشکر و تقدیر از فردی یا گروهی که اقدام سازنده و مثبتی هر چند کوچک انجام داده باشند، موثر و پرفایده است.

این عمل بدون هزینه که از فرهنگ و غنای فکری افراد منشاء می گیرد از یک سو فرد مورد تقدیر را به ادامه اعمال نیک و گسترش آن تشویق می کند بلکه ناظرین و حتی مخالفین آن عمل نیک را به قدم نهادن در همان مسیر ترغیب می کند.

جامعه‌ای که تفاوت مسئول خوب و بد را درک نکند، یا درک کند و بیان نکند، گرفتار بدترینها خواهد شد.

سالهاست که این جمله جزوی از ادبیات گفتاری و شیوه رفتار حقیر گشته است و آن اینکه:

به کسانی که زحمت می کشند، برای دیگران گام بر می دارند و یا هر اقدام سازنده اجتماعی و خیری انجام می دهند، بگویید که کارشان را می بینید

شاید همین بزرگترین راه شکرگزاری و گسترش نیکی باشد.

اندیشکده‌های حکمرانی و قانون‌گذاری استانی

جنگ‌رافت

اندیشکده‌های حکمرانی و قانون‌گذاری استانی

روزنامه الکترونیکی @HOKMRAH
شماره شانزدهم

روزنامه‌الکترونیکی
اندیشکده‌های حکمرانی
وقانون‌گذاری‌های استانی

۲۷ فروردین ۱۴۰۵
۲۷ شوال ۱۴۴۷
۱۶ آوریل ۲۰۲۶
شماره شانزدهم

کنشگری‌های زنانه در بحران‌های جنگی

خانم دکتر بی بی فاطمه حقیرالسادات
شورای علمی و کارگروه زن و خانواده
اندیشکده حکمرانی استان یزد

مقدمه: بازتعریف نقش زن در معادله جنگ

جنگ، سنتی‌ترین حوزه‌ای است که در آن زن یا به‌عنوان «مظلوم مطلق» تصویر می‌شود یا «مادر شهید»ای که در سکوت می‌گرید. اما در بحران‌های مسلحانه اخیر از یمن و سوریه تا غزه و اوکراین شاهد پدیده‌ای متفاوت هستیم: ظهور کنشگر جنگی (War Agency) از جنس زنانه. این مقاله می‌کوشد تا با رویکردی تحلیلی-توصیفی، چگونگی تبدیل «بقای» زنانه به «کنشگری» هدفمند در جنگ‌های دهه اخیر (۲۰۱۴-۲۰۲۵) را واکاوی کند؛ جایی که گوشی موبایل، سنگر می‌شود، آشپزخانه مرکز فرماندهی، و صدای مادرانه، ابزار دیپلماسی.

بخش اول: کنشگری رسانه‌ای؛ وقتی شاهدان، تاریخ‌نویس می‌شوند

در جنگ‌های مدرن، کنترل روایت به اندازه کنترل سرزمین اهمیت دارد. زنان در این عرصه، از «ابژه» روایت به «سوبژه» تاریخ‌ساز تبدیل شده‌اند.

خبرنگاری شهروندی و شکستن حصار سانسور:

در جنگ اخیر غزه و همچنین درگیری‌های یمن، زنان با استفاده از تلفن‌های همراه و اینترنت ماهواره‌ای، به «خبرنگاران شهروندی» تبدیل شده‌اند که لحظه‌به‌لحظه وقایع را ثبت و مخابره می‌کنند. آن‌ها با هشتگ‌هایی همچون Gaza_Mothers و YemeniWomenSpeak، تصاویر واقعی زندگی در محاصره از تولد نوزاد در بیمارستان تخریب‌شده تا تدریس کودکان در پناهگاه‌ها (را به افکار عمومی جهان منتقل می‌کنند. این کنشگری، فراتر از ثبت تصویر است؛ آن‌ها با انتقال داده‌های بصری، «نسل‌کشی رسانه‌ای» را خنثی می‌کنند و افکار عمومی را برای فشار بر دولت‌های عربی منفعل، بسیج می‌سازند.

جنگ روانی معکوس:

زنان با انتشار تصاویر بقای روزمره (مانند پختن نان در آشپزخانه‌ای که دیوارهایش فرو ریخته) پیام می‌دهند که زندگی ادامه دارد. این کنشگری روزمره (Everyday Activism)، مقاومتی نرم در برابر ماشین جنگ است که قصد دارد روحیه جامعه را بشکند.

بخش دوم: کنشگری بشردوستانه؛ مدیریت بحران در خلأ حکومتی

یکی از بارزترین وجوه کنشگری زنان در بحران‌های جنگی، پر کردن خلأهای نهادی است که یا تخریب شده‌اند یا عمداً محاصره شده‌اند.

شبکه‌های مراقبت غیررسمی:

در سوریه و یمن، زنان شبکه‌های پیچیده‌ای از مراقبت‌های بهداشتی و تغذیه‌ای ایجاد کرده‌اند که خارج از چارچوب سازمان‌های دولتی یا حتی بین‌المللی عمل می‌کنند. آن‌ها با استفاده از اپلیکیشن‌های پیام‌رسان، سیستم‌های ارجاع بیمار (Referral Systems) ایجاد کرده‌اند که زنان باردار، کودکان سوءتغذیه، و مجروحان را به مراکز درمانی فعال متصل می‌کند. این نگاشت بقا (Survival Mapping)، کنشی است استراتژیک که جان هزاران نفر را نجات می‌دهد.

تله‌مدیسین و انتقال دانش:

زنان پزشک و ماما در مناطق محاصره، با استفاده از فناوری‌های ارتباطی، دانش پزشکی را به زنان دیگر منتقل می‌کنند. کارگاه‌های آنلاین زایمان ایمن، تشخیص عفونت‌های رایج در کودکان، و مدیریت سوءتغذیه، نمونه‌هایی از «کنشگری دانش‌محور» هستند که مرزهای محاصره فیزیکی را درنوریده و «امنیت سلامت» را به عنوان حق اولیه بازتعریف می‌کنند.

بخش سوم: کنشگری اقتصادی؛ امنیت غذایی و اقتصاد مقاومتی

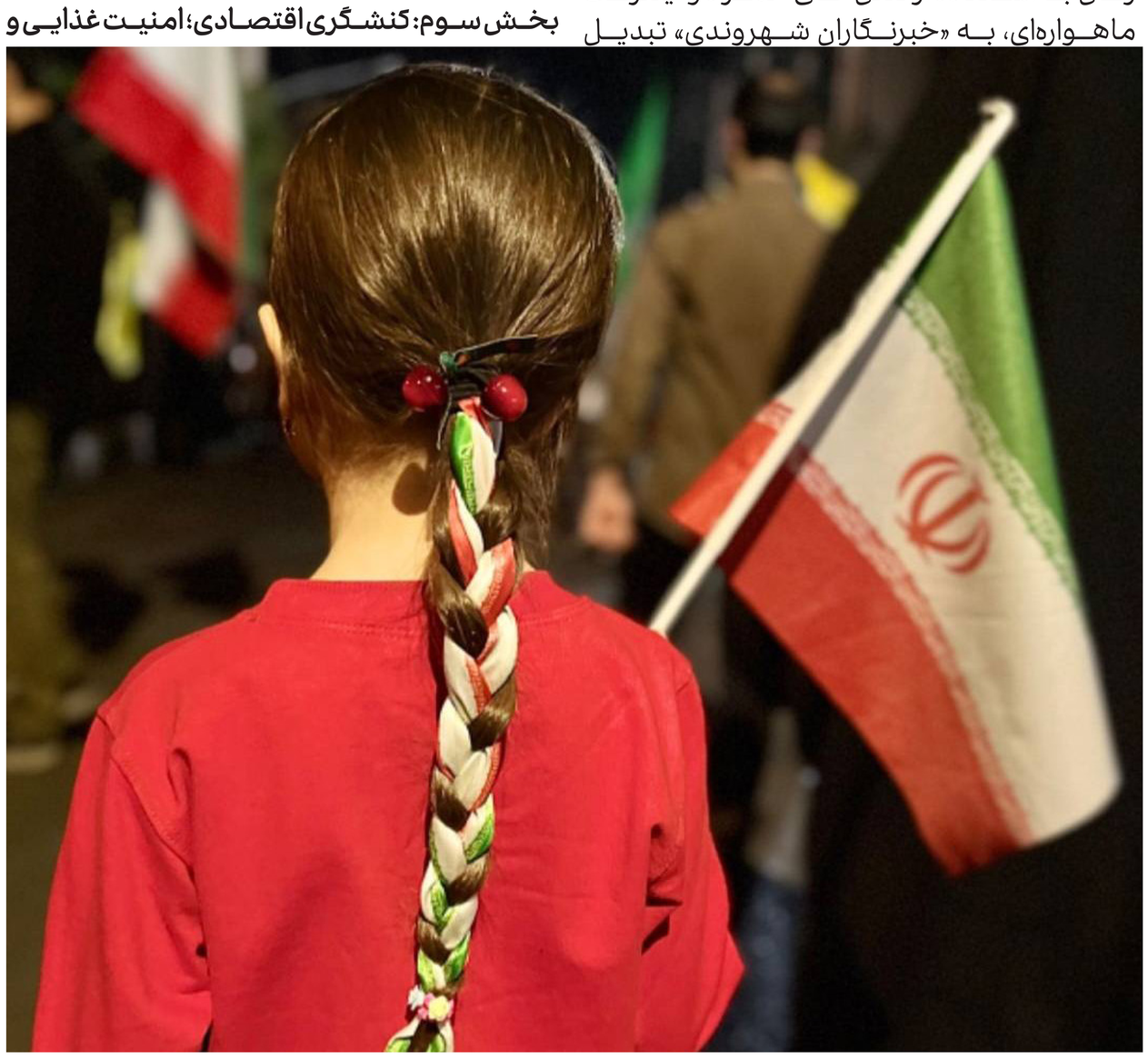

جنگ‌های اخیر، اغلب با محاصره اقتصادی و تخریب زیرساخت‌ها همراه بوده‌اند. زنان در این شرایط، اقتصاد مقاومتی را بنیان نهاده‌اند. زنان در غزه و یمن، با ایجاد آشپزخانه‌های محله‌ای و بانک‌های دانه (Seed Banks)، امنیت غذایی محلی را تضمین می‌کنند. آن‌ها با کشت‌های خانگی (Kitchen Gardens) و استفاده از فناوری‌های ساده آبیاری، وابستگی به کمک‌های خارجی را کاهش می‌دهند. این کنشگری اقتصادی، مستقل‌سازی جامعه را هدف می‌گیرد و زنان را از مصرف‌کننده کمک‌های بشردوسته به تولیدکننده غذا تبدیل می‌کند.

تجارت الکترونیک مرزی:

در شرایطی که مرزهای فیزیکی بسته است، زنان با استفاده از ارزهای دیجیتال و پلتفرم‌های فروش آنلاین، کالاهای ضروری (دارو، غذا، پوشاک) را مبادله می‌کنند. این «کنشگری مالی»، شبکه‌های اقتصادی زیرزمینی زنانه را تقویت می‌کند که قدرتمندتر از اقتصاد رسمیِ فلج‌شده در بحران است.

بخش چهارم: کنشگری سیاسی و صلح‌سازی از پایین

زنان در جنگ‌های اخیر، تنها در حوزه «مدیریت بحران» باقی نمانده‌اند؛ بلکه به‌عنوان بازیگران سیاسی فعال، روند صلح‌سازی را شکل می‌دهند.

دیپلماسی زنانه و مذاکرات محلی:

در سوریه و یمن، زنان محلی شوراهای صلح (Peace Councils) تشکیل داده‌اند که بین گروه‌های مسلح مخالف، آتش‌بس‌های محلی مذاکره می‌کنند. آن‌ها با استفاده از شبکه‌های خویشاوندی و اجتماعی، گذرگاه‌های امن برای تبادل کالا و اسرا ایجاد می‌کنند. این «کنشگری سیاسی از پایین (Grassroots Political Agency)، نشان می‌دهد که زنان درک عمیقی از بافت اجتماعی دارند که سیاستمداران رسمی از آن محروم‌اند.

مادران صلح و فراتر از مرزها:

گروه‌هایی از زنان که فرزندانشان در سوی‌های مخالف جنگ fighting می‌کنند، با تشکیل ائتلاف‌های فرامرزی، صدای مشترکی علیه ادامه جنگ ایجاد کرده‌اند. آن‌ها با استفاده از رسانه‌های اجتماعی، کمپین‌هایی مانند Mothers_ForPeace راه‌اندازی کرده‌اند که بر مشترکات انسانی تأکید دارد و از منطق دشمنی به مادرانه استناد می‌کند.

بخش پنجم: کنشگری فرهنگی و آموزشی؛ حفظ حافظه و انتقال نسل

جنگ، تهدیدی برای «حافظه جمعی» است. زنان در مقام نگهبانان فرهنگ، کنشگری حافظه‌محور را پیش می‌برند.

زنان معلم، با ایجاد «مدارس خانگی (Home Schools) و استفاده از فناوری‌های آموزش از راه دور، مانع از نسل‌کشی فرهنگی می‌شوند. آن‌ها با ثبت خاطرات شفاهی، پادکست‌های آموزشی، و حتی استفاده از واقعیت مجازی (VR) برای حفظ مکان‌های تاریخی تخریب‌شده، مقاومت فرهنگی را عملیاتی می‌کنند.

هنر به‌مثابه کنش:

زنان هنرمند در مناطق جنگی، با خلق آثار هنری دیجیتال (از انیمیشن‌های مقاومت تا موسیقی الکترونیک) روایت جایگزینی از جنگ ارائه می‌دهند که بر زندگی تأکید دارد، نه «مرگ». این کنشگری زیبایی‌شناخت (Aesthetic Agency)، فضای عمومی را از ترس و یأس پاک می‌کند.

بخش ششم: نقد منطقه‌ای؛ سکوت عربی و فقدان کنشگری نهادینه

در حالی که زنان در میدان جنگ، کنشگرانی فعال‌اند، نهادهای رسمی کشورهای عربی منطقه، از این سرمایه انسانی غافل مانده‌اند.

پارادوکس ثروت و فقر سیاسی:

کشورهای عربی با وجود دارا بودن پیشرفته‌ترین تسلیحات نظامی، در ایجاد «سازوکارهای حمایتی از کنشگری زنان» در بحران‌ها، ناتوان بوده‌اند. در حالی که زنان غزه و یمن با گوشی‌های ساده، شبکه‌های مقاومت می‌سازند، نهادهای عربی با بودجه‌های میلیاردی، حتی نتوانسته‌اند پلتفرم‌های امن ارتباطی برای زنان جنگ‌زده ایجاد کنند.

ضرورت بازنگری در سیاست‌گذاری:

جنگ‌های اخیر نشان داد که امنیت ملی بدون امنیت انسانی زنان معنا ندارد. نهادهای عربی باید از «کنشگری انفرادی» زنان به «کنشگری نهادینه» حرکت کنند؛ یعنی حمایت مالی و لجستیکی از شبکه‌های زنانه محلی، آموزش دیجیتال زنان در مناطق بحران‌زده، و مشارکت زنان در مذاکرات صلح را تضمین کنند.

بخش هفتم: جنگ رمضان و معنای بندگی در بحران

در ماه‌های اخیر، وقوع جنگ در ماه رمضان، چالش‌های ویژه‌ای برای کنشگری زنان ایجاد کرده است. زنان در این شرایط، «عبادت» را نیز کنشگرانه بازتعریف کرده‌اند.

مدیریت بحران در ماه نور:

زنان مسلمان در مناطق جنگی، با برپایی «افطاری‌های مقاومت» (Iftar of Resistance) در میان آوار، نه‌تنها فرهنگ دینی را زنده نگه داشته‌اند، بلکه این فضاها را به مراکز هماهنگی کمک‌رسانی و تبادل اطلاعات تبدیل کرده‌اند. روزه‌داری در شرایط محاصره و کمبود آب و غذا، خود کنشی است که اراده جمعی را برای ادامه مبارزه تقویت می‌کند.

نتیجه‌گیری: کنشگری، پروژه‌ای ناتمام

کنشگری‌های زنانه در جنگ‌های اخیر، نشان‌دهنده ظرفیت عظیم بشر دوستی، مدیریت بحران، و صلح‌سازی است که تاکنون نادیده گرفته شده است. این کنشگری‌ها، جنگ را از یک «میدان نبرد مردانه به فضای مقاومت جمعی تبدیل کرده‌اند. اما این کنشگری‌ها نباید جایگزین «مسئولیت نهادینه» دولت‌ها و جامعه بین‌المللی شوند. زنان نباید مجبور شوند برای بقا، به «کنشگر اضطراری» تبدیل شوند؛ بلکه باید به‌عنوان «بازیگران اصلی» در طراحی سیاست‌های جنگی و صلح، به رسمیت شناخته شوند. اگر می‌خواهیم دهه آینده، شاهد کاهش خشونت باشیم، باید گوش‌هایمان را به صدای زنانه‌ای بسپاریم که از زیر آوار می‌گوید: «ما نه‌تنها زنده‌ایم، که می‌سازیم.»

اندیشکده‌های حکمرانی و قانون‌گذاری استانی

جنگ‌نگرافت

اندیشکده‌های حکمرانی و قانون‌گذاری استانی

روزنامه الکترونیکی @HOKMRAH
شماره شانزدهم

روزنامه الکترونیکی
اندیشکده‌های حکمرانی
و قانون‌گذاری‌های استانی

۲۷ فروردین ۱۴۰۵
۲۷ شوال ۱۴۴۷
۱۶ آوریل ۲۰۲۶
شماره شانزدهم

سمانه افشاریوسفی،
دکترای فیزیولوژی ورزشی

هرگاه حضور آگاهانه و مقتدرانه مردم در صحنه کمرنگ شده، همان نقطه به کانون ناامنی و اقدامات مسلحانه تبدیل شده است.

جنگ رمضان

قرن‌ها پس از آن نبرد تاریخی، تحولات جاری در منطقه غرب آسیا برای بسیاری از تحلیلگران یادآور همان تقابل تاریخی جنگ بدر است؛ تقابل جبهه‌ای که به قدرت نظامی و حمایت قدرت‌های بزرگ جهانی تکیه دارد، با جبهه‌ای که بر ایمان، مقاومت و اراده مردمی استوار است.

جنگی که رژیم صهیونیستی و آمریکا با تصور پیروزی سریع آغاز کردند، به بحرانی پیچیده و فرسایشی تبدیل شد، تل‌آویو که با اتکا به یکی از پیشرفته‌ترین ارتش‌های منطقه وارد این جنگ شد، هنوز نتوانسته است به اهداف اعلامی خود دست پیدا کند.

ایالات متحده نیز که به‌طور کامل در حمایت از رژیم صهیونیستی وارد میدان شده است با یکی از دشوارترین چالش‌های منطقه‌ای خود در سال‌های اخیر روبه‌رو شده است، به طوری که حضور گسترده نظامی آمریکا در منطقه، حمایت‌های سیاسی و تسلیحاتی از تل‌آویو و تلاش‌های دیپلماتیک برای مدیریت بحران، تاکنون نتوانسته به پایان سریع جنگ منجر شود. به همین دلیل، بسیاری از تحلیلگران از وضعیتی سخن می‌گویند که آن را «بن‌بست راهبردی» برای آمریکا و رژیم صهیونیستی توصیف می‌کنند.

آنچه بیش از هر عامل دیگری معادلات جنگ را تغییر داده، عنصر مقاومت است؛ همان عاملی که در بدر نیز نقشی تعیین‌کننده داشت. رهبر شهید انقلاب اسلامی بارها تأکید کردند که مقاومت و ایستادگی ملت‌ها می‌تواند حتی پیچیده‌ترین معادلات قدرت را تغییر دهد.

آنچه امروز در منطقه جریان دارد، تنها یک درگیری نظامی محدود نیست، بلکه تقابل دو نگاه در نظم منطقه‌ای و جهانی است، از یک سو، جبهه‌ای قرار دارد که دهه‌ها تلاش کرده است نظم منطقه را بر اساس منافع خود شکل دهد و از سوی دیگر، جبهه‌ای که با اتکا به مقاومت و اراده مردمی در برابر این نظم ایستاده است.

به همین دلیل بسیاری از کارشناسان معتقدند تحولات جاری می‌تواند به یکی از نقاط عطف مهم در معادلات آینده منطقه و جهان تبدیل شود.

همکاری کشورهای عربی در جنگ

عربستان سعودی، امارات، کویت، بحرین و قطر با در اختیار قرار دادن خاک کشورشان برای ایجاد پایگاه های نظامی و جنگ مستقیم با جمهوری اسلامی ایران ، عدم محکوم کردن تجاوز آمریکایی_ اسرائیلی و حتی محکوم کردن دفاع به حق کشورمان به پایگاه های متجاوزان در سمت مقابل قرار گرفته که با اعتراض شدید نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل قرار گرفت، با توجه به مسئولیت بین المللی دولت ها ناشی از در اختیار قرار دادن سرزمین خود برای ارتکاب اعمال تجاوز و انجام حملات مسلحانه علیه قلمرو یک دولت ثالث، همچنین از کشورهای عربستان سعودی، امارات، کویت، بحرین و قطر خواسته شد اصول همجواری را رعایت نموده و از تداوم استفاده از قلمرو خود علیه جمهوری اسلامی ایران جلوگیری به عمل آورد.

تا به امروز متاسفانه در بسیاری از موضع گیری ها دفاع به حق کشورمان را محکوم کرده و در برخی موارد خواستار خویشتن داری ایران شدند

حضور حماسی و تاریخی مردم در میدان

در طول تاریخ حضور مردم بسیار دیده شده است اما مردم شجاع و وطن دوست کشورمان در طول ایام جنگ رمضان از روز اول تا به امروز حماسه آفریدند و باعث تعجب جهانیان شده اند، در خیابان های ایران یکی از مهمترین و عجیب ترین حضور مردم در صحنه ها اتفاق افتاده است. با وجود انفجارها و تهدیدات متجاوزین به وطن میلیون ها انسان با قلبی پر از خشم و غم شبانه روز حضور یافته و به جهانیان و خاینان داخلی نشان دادند که پشت نیروهای مسلح و نظام و رهبر هستند

حضور تمامی اقشار مردم از جمله فرهنگیان، پزشکان، دانشجویان، بازاریان، فعالان مدنی و... با جنگ ترکیبی و تروریسم ساختارشکن نه صرفا درگیری های کلاسیک مرزی حضوری قدرتمند در صحنه داشتند و اثر رسانه ای و جهانی آن همچون موشک ها و دفاع نظامی جمهوری اسلامی ایران است. با حضور اندک و معدود اجیر شده طرفداران پهلوی و ضد نظام جمهوری اسلامی در مجامع جهانی و هزینه کردن برای بزرگ جلوه دادن آن توسط دشمنان و رسانه های معاند باعث این دیدگاه شده بود که جمهوری اسلامی یک حکومت مردمی دیده نشود، اما حضور خودجوش میلیونی و با شکوه مردم شبانه روزی در ایام جنگ تحمیلی در خیابان ها این دیدگاه را عوض کردند و باعث شکست هزینه هایی که برای جنگ رسانه ای دشمن شدند

همچنین حضور مردم باعث دلگرمی و انگیزه ی بیشتر مدافعان وطن، نیروهای مسلح ، کارگزاران، و خدمتگزاران دولت و کشور گردید .

حضور ادامه خواهد داشت تا زمانی که رهبر معظم انقلاب دستور دهند و پایان جنگ اعلام شود، این حضور ادامه خواهد داشت با انگیزه و قوت بیشتر تا در این شرایط ناپایدار آتش بس باعث خیالبافی دشمنان و خائنین وطن نشود. چراکه حضور مردمی در میادین کلیدی پتانسیل ایجاد شکاف امنیتی و فرصت جولان برای سلول های خفته تروریستی و عوامل نفوذی را تقویت می‌کند.

تجربه تلخ روزهای پایانی سال ۱۴۰۴ و برخی اغتشاشات سال‌های اخیر به کشور ثابت کرد که هرگاه حضور آگاهانه و مقتدرانه مردم در صحنه کمرنگ شده، همان نقطه به کانون نا امنی و اقدامات مسلحانه بدل گشته است.

در میادین اصلی شهرها چهارراه های استراتژیک، معابر شایانی و اطراف تاسیسات حیاتی، حضور مدنی هوشمندانه در اماکن عمومی امروز مهم‌ترین لایه از بازدارندگی امنیتی پایین حاشیه است

حضوری که به مراتب موثرتر از هر اقدام پلیس صرف عمل می کند، زیرا اطلاعات لحظه ای می دهد و معادله ریسک را برای هر عاملی بر هم میزند.

ضمانت امنیت ملی، امروز به معنای واقعی کلمه در گرو تداوم همان حضور همیشگی مردم شریف ایران در عرصه عمومی است. باشد که با چشمان باز و اراده راسخ، اجازه ندهیم یک وجب از خاک میهن به صحنه آزمایش تاکتیک های جدید دشمنان تبدیل شود ، ایران امن با حضور مردم در خیابان امن می ماند.

خروج آبرومندانه دشمن از جنگی که برای براندازی جمهوری اسلامی به دنبال آن بود و از شکست های پی در پی در روزهای جنگ، می تواند یک پیروزی رسانه ای داشته باشد.

دو سناریو وجود دارد یک این است که آمریکا با پایبندی خود و شرکایش به آتش بس، در مدت زمان معقولی به توافقی که مورد رضایت ایران و مقاومت باشد تن دهد اما در کنار این گزینه سناریو احتمالی دیگر این است که یک طرف با کارشکنی در روند مذاکرات امکان رسیدن به توافق تامین کننده حقوق ایران و مقاومت را سلب کنند و از طرف دیگر با فرار خودش از جنگ، اسرائیل را در صحنه جنگ با منطقه نگه دارد.

در هرصورت آمریکا نمی تواند از تبعات هر گونه پایان آتش بس بدون نتیجه مورد رضایت ایران و مقاومت فرار کند؛ با اشتباهی دیگر منافع آمریکا در سراسر منطقه به آتش کشیده خواهد شد، تکلیف دشمن مشخص است، یا توافق مورد رضایت ایران و مقاومت ، یا بازگشت آمریکا و اسرائیل به زیر آتش.

آینده پیش رو

مهم‌ترین عملکرد هوشیاری و در صحنه بودن مردم عزیز و آمادگی رزمندگان جان بر کف خواهد بود و تصمیم شورای عالی امنیت ملی، مورد تایید رهبر معظم بوده و مادامی که دشمن تخلف نکند پایبندی به آن ضروری است.

مردم در صحنه و میدان خیابان از تندروی و کندروی پرهیز نموده و گوش به فرمان و تابع رهبر عزیزمان باشند.

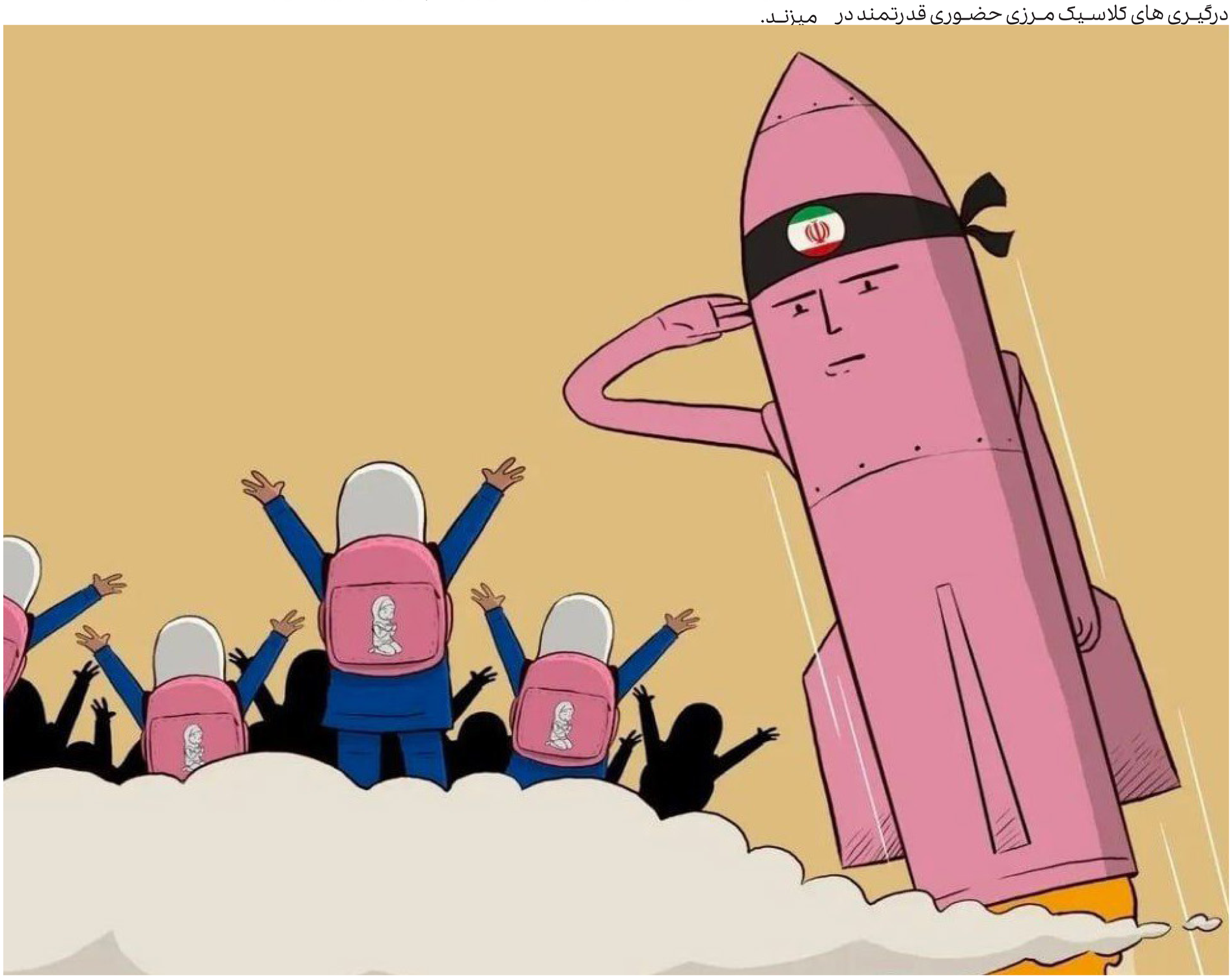

مذاکره کنندگان به پشتوانه قدرت مردمی که نشات گرفته از ایمان الهی آنان است، بر اجرای تمامی ده بند پای فشاری نمایند. جنگ پایان نیافته و ما همچنان در حال جنگیم بنابراین حفظ وحدت و انسجام و آمادگی رزمی همچنان مورد انتظار است.

با عنایت به سابقه بد عهدی، ما به دشمن غدّار اطمینان نداریم و دست های ما بر روی ماشه است

آینده پیش رو برای دیپلماسی و اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بسیار حائز اهمیت است، با توجه به سخنان رهبر معظم خسارات گرفته خواهد شد از متجاوزین و تنگه هرمز با مدیریت و نقش اصلی ایران برای عبور و مرور کشتی های تجاری عوارضی خواهند پرداخت، تحریم ها دیگر معنایی نخواهند داشت.

موقعیت ژئوپلوتیک، معادن طبیعی و منابع نفت و گاز کشور ایران و کاهش و بی اثر شدن تحریم ها موجب جذب سرمایه گزاران خواهد شد

ایران در دیدگاه جهانی به قدرتی بدل شده است که انکار ناپذیر است و با بی اعتمادی که آمریکا در جهان ایجاد کرده و عدم تعهد به قرارداد های بین المللی و روی برگرداندن کشورهای غربی از آن در مورد جزیره گریلند و ایجاد تعرفه های اقتصادی برای کالاهای کشورهای دنیا به حق بودن خواسته های جمهوری اسلامی ایران پی برده و آینده ای روشن برای ایران خواهد داشت